مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان/ دوره هیجدهم/ بهار ۱۳۹۲/ ۱۲۷-۱۲۲

کامل الصّناعه الطبیّه؛ کتاب پزشکی بزرگی که تا حدودی ناشناخته مانده است

سیّد محمّد خالد غفاری[۱]، ادیب خضری[۲]

۱. استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران (مؤلف مسؤول) تلفن: ۶۱۳۱۲۸۰- ۰۸۷۱

ghaffari_seyyedmohammadkhaled@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیّات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، معاونت پژوهش و فناوری ، سنندج، ایران

چکیده

تاریخ طبّ ایرانی اسلامی پزشکان نامور و کتابهای پزشکی ارزشمندی را به جهان دانش عرضه داشته است و به جرأت می‌توان گفت با ترجمه این کتب و استفاده از تجارب ممتدّ این اطبّا بوده که غربیان توانسته‌اند فنّ پزشکی را به جایگاه امروزی آن در جهان برسانند. یکی از این طبیبان بزرگ، «علی بن عبّاس مجوسی» و کتاب ارزشمند او «کاملُ الصِنّاعةِ الطّبیّه» معروف به «کُنّاش مَلِکی» است. این اثر در کنار «قانون» ابن سینا و «حاوی» رازی سه دایرةالمعارف بزرگ پزشکی ایران و اسلام هستند که با گذشت بیش از هزار سال بر تألیف آنها، تا سه دهه اخیر هیچ ترجمه‌ای از آنها به عمل نیامده بود[۱]. دید انتقادی مؤلّف نسبت به اطبّای قدیم و جدید، و جامعیّت کتاب درخصوص بیماری‌ها و مداوای آنها، و حساسیّت نویسنده به شیوه آموزش و فنّ تألیف، این کتاب را به یکی از ستون‌های طب سنتی تبدیل کرده است. متن کتاب در دو بخش نوشته شده؛ بخش نخست شامل طب نظری (که توسط مؤلّف مسؤول این مقاله در سه مجلد به فارسی برگردانده شده و از سوی مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران ـ دانشگاه مَک گیل کانادا چاپ و منتشر شده است) و بخش دوم دربرگیرنده مباحث طب عملی است. این مقاله، توصیفی بوده و به شیوه کتابخانه‌ای می‌کوشد تا به معرّفی کتاب و ترجمه آن پرداخته و اطّلاعاتی را در مورد اثر و ترجمه آن به علاقه‌مندان تاریخ پزشکی و طبّ سنّتی ایران ارائه نماید.

کلمات کلیدی: کامل الصّناعة الطبیّه، حاوی رازی، قانون بوعلی سینا، بیماری، درمان

وصول مقاله:۹۰/۱۲/۱ اصلاحیه نهایی: ۹۱/۱۱/۱۷ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۷

۱ـ از سال ۱۳۶۲ شمسی «قانون در طب» توسط عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار) به فارسی ترجمه شد و سید محمود طباطبایی نیز از سال ۱۳۶۹ شمسی بخش‌هایی از آن را به فارسی برگردانده است.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

مقدمه

فنّ پزشکی ایران در طیّ مسیر تکامل خود، ادوار مختلفی را گذرانده است. آموزه‌های آیین زردشتی و توصیه‌های زردشت پیامبر به آلوده نکردن آب و خاک و آتش و گیاه و پرهیز از دست زدن به مردگان و پاک کردن خود از آلودگی‌ها به عنوان «مکتب پزشکی مزدیسنا» یاد می‌کند. با انقراض هخامنشیان و استقرار حکومت سلوکیان (جانشینان اسکندر) در ایران، تأثیر مکتب بقراطی یونانی بر مکاتب پزشکی ایران آغاز می‌شود و این عصر تا دوره حکومت چهارصد ساله اشکانیان ادامه می‌یابد(۱). دوره حکومت ساسانیان (۶۵۲ـ ۲۲۴ ق.م) دوران طلایی دانش و هنر ایرانی است. در این دوره فنّ پزشکی رونق بسزایی یافت و از بارزترین نمونه‌های این شکوفایی، بیمارستان و دانشگاه جندی‌شاپور در خوزستان بوده است(۲).

پس از انقراض ساسانیان، در دوره اسلامی با عنایت خاصّی که اسلام به علوم و فنون مختلف داشت، نهضت علمی عظیمی در همه سرزمین‌های اسلامی آغاز شد و در این میان، علم طب، جایگاه ویژه‌ای همچون علم دین پیدا کرد. تأسیس مرکز بزرگ علمی «بَیتُ الحِکمَه» به دستور مأمون هفتمین خلیفه عبّاسی (۲۱۸ـ۱۹۸ قمری) در بغداد به این نهضت شتاب بیشتری بخشید و در این میان، کار ترجمه و برگرداندن مواریث فرهنگی و آثار علمی دیگر ملل بویژه کتب طبّی ایران و یونان و هند به زبان عربی اهمّیّت ویژه‌ای یافت.

این رستاخیز بزرگ علمی دنیای اسلام، با قرون وسطی و دوره تاریکی و بی‌خبری دنیای غرب مصادف بود؛ از این‌رو به جرأت می‌توان گفت که بخش قابل توجّهی از جایگاه رفیع علمی غربیان مرهون ترجمه آثار گرانبهای ایرانی ـ اسلامی است و یکی از آثار ارزشمند طبّی این دوره، کتاب «کامل الصّناعة الطبیّه» است.

مؤلّف کتاب

کتاب «کامل الصناعة الطبیّه»، موسوم به «مَلِکی» تألیف «ابوالحسن علی بن عبّاس اهوازی ارّجانی» مشهور به مجوسی یا ابن المجوس، شاگرد «ابوماهر موسی بن یوسف بن سیّار» است. مؤلف، پزشک دربار «فناخسرو عضدالدّوله دیلمی» امیر مقتدر آل بویه بوده و در سال ۳۸۴ قمری فوت کرده و به سبب انتساب به عضدالدّوله، این کتاب به «مَلِکی» یا «کُنّاش مَلِکی»یا «کنّاش عضدی» مشهور شده است. اطّلاعات ما در مورد نویسنده محدود است. از نظر جایگاه علمی اثر، در کتاب چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که در سال ۵۵۱ یا ۵۵۲ قمری نوشته شده، «کامل الصّناعة» در کنار کتاب‌های «ستّه عشرِ جالینوس»، «حاویِ محمّدِ زکریّا»، «صد بابِ بوسهل مسیحی»، «قانون بوعلی»، و «ذخیره خوارزمشاهی» به عنوان یکی از کتاب‌های طبّی مبسوطی که نظامی عروضی، اطبا را به خواندن آنها توصیه می‌نماید، نام برده شده و حکایت ششمِ مقاله چهارم (مقاله طبّ) این کتاب به یکی از معالجات ابتکاری مؤلّف آن، اختصاص یافته است.

شیوه کار مؤلّف در این کتاب

نویسنده، بنای کار خود را در تألیف این کتاب، بر چهار پایه گذاشته است:

۱. در مباحث علمی و نظری، آنچه را که برای نگهداری تندرستیِ تندرستان و شناخت طبیعت بیماری‌ها و آشنایی با سبب‌ها و نشانه‌ها و عوارضِ آنها مورد نیاز است، بیان می‌کند.

۲. در بحث از مداوا با دارو و غذا، فقط آنهایی را ذکر می‌کند که درستی آنها به تجربه به اثبات رسیده است.

۳. درباره استفاده از نظر پیشینیان، در اغلب موارد به سخنان بقراط (ابقراط) و جالینوس استشهاد می‌کند.

۴. هنگام معرّفی داروها، آنهایی را ذکر می‌کند که پزشکان اقلیم چهارم و عراق و فارس به کار بردند؛ زیرا این پزشکان

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

اغلب داروهای تجویز شده توسّط یونانیان قدیم را رد کرده بودند.

متن کتاب

کتاب کامل الصّناعه دایرةالمعارف گونه بزرگی در طبّ علمی و عملی است که در دو جزء بزرگ تألیف شده است. جزء (بخش) اوّل این کتاب، دارای ۱۰ مقاله و ۲۶۵ باب است که به تصریح مؤلّف، همه مباحث نظری و علمی فنّ طب تا آن روزگار در آن با نظم و ترتیب خاصّی بیان شده است. مقاله نخست از این ده مقاله، ۲۵ باب دارد؛ باب اوّل به مقدّمه (صدر الکتاب) اختصاص داده شده و در آن، مؤلّف پس از ستایش و سپاس پروردگار به توصیف و تمجید عضدالدّوله دیلمی می‌پردازد و سپس می‌گوید چون از میان آثار پزشکان پیشین و متأخّرین کتابی نیافتم که دربرگیرنده همه مسائل فنّ طب و احکام آن باشد، خواستم برای خزانه کتاب وی، کتاب طبّ کاملی تألیف کنم که در آن همه چیزهایی که پزشک برای نگهداری تندرستی تندرستان و مداوای بیماران، بدان نیازمند است، گِرد آمده باشد.

وی به عنوان پزشکی صاحبنظر و آشنا به فنّ تألیف به انتقاد از کتب برخی از پزشکان نامدار قدیم و جدید و شیوه کار آنان در تألیف می‌پردازد و از بقراط و جالینوس آغاز می‌کند تا به ابوسهل مسیحی و محمّد بن زکریّای رازی می‌رسد و از جهاتی بر کار هریک از آنان خرده می‌گیرد. مثلاً ضمن ستایش بقراط به عنوان نخستین کسی که در فنّ پزشکی به تألیف پرداخته است، در کارهای وی دو اشکال عمده می‌بیند: یکی اینکه در میان کتاب‌های فراوانی که تألیف کرده، کتاب جامعی ندارد؛ و دوم؛ در کتاب‌های خود ایجازی را به کار برده که معنای بسیاری از سخنان وی را غامض و نیازمند شرح و تفسیر کرده است (۳). درباره جالینوس ضمن تکریم می‌گوید: او کتاب‌های فراوانی در هریک از موضوعات پزشکی نوشته؛ امّا چون برای اثبات نظریات خود دلایل متعدّد می‌آورد و سخنان مخالفین را نیز با استدلال رد می‌کند، کار به تکرار و تطویل کشیده است. درباره محمّد بن زکریّای رازی عقیده دارد: گرچه در کتاب «طبّ منصوری» همه مسائل فنّ پزشکی را ذکر کرده، امّا چون قصد وی اختصار بوده، هیچ موردی را به تمامی شرح نداده است (۴). نقد و بررسی وی درخصوص کتاب دیگر رازی، یعنی «حاوی» بسیار مفصّل است. او می‌گوید: رازی در این اثر آنچه را که دارندگان حرفه پزشکی (متطبّبین) بدان نیازمندند، بیان نموده؛ امّا در مورد امور طبیعی مانند دانش عناصر و مزاج‌ها و اخلاط و اندام‌ها چیزی نگفته و نیز از معالجه با دست (دستکاری، جرّاحی)، سخنی به میان نیاورده است. آنچه را نیز که ذکر کرده نه نظمی دارد، و نه بر شیوه یکی از راه‌های آموزش است، و نه آن‌چنان که شایسته دانش و آشنایی او با چگونگی تألیف بهینه کتاب است، آن را به مقالات و فصول و ابواب تقسیم کرده است.

وی برای بیان چگونگی کار خود در این کتاب، بیماری «ذات‌الجنب» را به عنوان نمونه بررسی کرده و به تفصیل به بیان ماهیّت و چگونگی درمان آن می‌پردازد تا شیوه کار خود را در معرّفی بیماری‌ها و اسباب و علائم آنها نشان دهد.

باب دوم، در بیان توصیه‌های اخلاقی و علمی و حرفه‌ای بقراط است و بکارگیری آنها را برای کسی که بخواهد پزشکی عالِم و وارسته باشد، ضروری می‌داند.

باب سوم، درباره آغازینه‌های (مَبادی) هشتگانه‌ای است که از نظر مؤلّفان آن روزگار، خواننده هر کتاب باید پیش از هر چیز آنها را بداند و آنها عبارتند از «غرض از تألیف کتاب»، «منفعت آن»، «شهرت و نشانه ویژه آن»، «شیوه آموزش آن»، «جایگاه آن در میان دیگر کتب» (یعنی چه کتابهایی را باید پیش یا پس از آن بخواند)، «نام مؤلّف»، «صحّت انتساب کتاب به مؤلّف»، و «شیوه تقسیم‌بندی مطالب کتاب».

او سپس همه این آغازینه را توضیح می‌دهد و درباره اسم و نشانه خاصّ کتاب (سِمهٔ کتاب) می‌گوید نشانه خاصّ آن «اَلمَلِکی، کامُل الصِّناعه» است.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

در مورد شیوه آموزش خود در این کتاب پس از برشمردن روش‌های آموزشی پنجگانه متداول آن روزگار، «تقسیم» را بعنوان شیوه آموزشی بکار رفته در این کتاب معرّفی می‌کند. وی می‌گوید شیوه تقسیم در این کتاب، تقسیم به اجزا و مقالات است و این کتاب به دو جزء تقسیم می‌شود؛ جزء اوّل درباره امور نظری طبّ است و جزء دوم درخصوص امور عملی.

جزء دوم کتاب همچون جزء اوّل دارای ده مقاله است که در ۵۰۱ باب و مجموعاً در ۶۰۸ صفحه بزرگ (در چاپ اخیر دهلی نو) تحریر شده و در آن، جنبه‌های عملی فنّ طب یعنی چگونگی نگهداری تندرستی تندرستان و مداوای همه بیماری‌های شناخته شده تا آن روزگار، تشریح شده است.

مؤلّف به امر نگهداری تندرستی (حفظ الصّحه) توجّه ویژه‌ای داشته و مقاله اوّل این جزء را که ۳۱ باب دارد، بدان اختصاص داده است. در باب اوّل این مقاله پس از ذکر مقدّماتی می‌گوید هدف نهایی فنِّ طب، تندرستی است و بنابه نظر پیشینیان این فن، حفظ تندرستی مهمتر از معالجه است؛ زیرا تندرستی، در تندرستان موجود است و در بیماران، معدوم؛ و حفظ موجود، ارزشمندتر از طلب مفقود است.

وی سپس به بحث مداوا و معالجه می‌پردازد و مداوای بیماری‌ها را به دو نوع تقسیم می‌کند: نخست، «مداوای با دارو و غذا»، و دوم «مداوای با دست (دستکاری، جرّاحی)». بحث از «مداوا با دارو و غذا» که بخش اعظم جزء دوم کتاب، یعنی، از مقاله دوم تا آخر مقاله هشتم و مجموعاً ۳۳۰ باب را به خود اختصاص داده، بحث مداوا با «داروهای مفرد» است و فقط در مقاله دهم که درباره داروسازی است، بحث «داروهای مرکّب» به میان آورده می‌شود.

مقاله نهم که در مورد «معالجه با دست» (جرّاحی) است، دارای ۱۱۰ باب است. در باب اوّل «کار با دست» را به سه نوع تقسیم می‌کند: «کار بر عروق»، «کار در گوشت» و «کار در استخوان»؛ سپس «کار بر عروق» را به دو قسمت تقسیم می‌نماید: «کار بر رگ‌های ناجهنده (وریدها)» یعنی، گشودن رگ (فصد)، و «کار بر رگ‌های جهنده (شرایین)» که عبارت است از بریدن و قطع شرایین و معالجه آماسی که «ابورَسما» نام دارد. «کار دست در گوشت» را نیز در سه دسته جای می‌دهد: «کاری که با حجامت انجام می‌شود»، «کاری که با بریدن و قطع کردن و دوختن صورت می‌گیرد» و «کار با داغ کردن». و در پایان کار دست (جرّاحی) در استخوان را نیز به دو نوع تقسیم می‌کند: «جا انداختن تکّه‌های استخوان شکسته و بستن آن (جبر)» و «جا انداختن استخوان دررفته مَفصل».

جایگاه و ترجمه‌های کتاب

آنچه درباره جایگاه کتاب کامل الصّناعه در میان تاریخ‌نگاران پزشکی تکرار می‌شود، همان است که جمال‌الدّین قفطی (۶۴۲-۵۶۸ قمری) وزیر سلاطین ایوبی در کتاب «تاریخُ الحکما» نگاشته: «این اثری است عالی و برجسته و سفینه‌ای است مفید که علم و عمل در آن گرد آمده و به طور شایسته تنظیم شده. این اثر شهرت و محبوبیّت خاص یافت و تا زمان تألیف قانون بوعلی سینا همچنان مورد معالجه عموم بود و قانون موجب شد که کتاب «المَلِکی» فراموش شود و از محبوبیّت آن کاسته گردد. کتاب المَلِکی از نظر طبّ عملی برتر است و قانون از لحاظ نظری»(۵).

کامل الصّناعه همراه با «حاوی» رازی و «تصریف» زهراوی و «تیسیر» ابن زهر تا قرن شانزدهم میلادی در اروپا تدریس می‌شد. «قسطنطین افریقی» در قرن یازدهم میلادی آن را به نام خود به لاتین برگردانده بود و مدتها در مدارس اروپا تدریس می‌شد. «اصطفان انطاکی» در سال ۱۱۲۷ میلادی این اثر را بار دیگر به لاتین برگرداند. این ترجمه در سال ۱۴۹۲ میلادی چاپ شد و در این چاپ بود که نام مؤلّف حقیقی آن آشکار گشت (۶).

بخش تشریح کامل الصّناعه که مقاله‌های دوم و سوم از جزء اوّل را دربرمی‌گیرد، در سال ۱۹۰۳ میلادی در اروپا تحت عنوان «سه رساله در تشریح عرب» به زبان فرانسه به چاپ

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

رسید (۷). فؤاد سزگین یکی از پژوهشگران مشهور مؤسّسه تاریخ علوم عربی و اسلامی در دانشگاه فرانکفورت آلمان در مقدّمه نسخه تصویری خود از کامل الصّناعه می‌نویسد «این کتاب از آن جهت که مؤلّف، دگرگونی‌های تاریخی علم طب را مورد بررسی قرار داده و نقد و برآورد درستی از کار پیشینیان خود نموده و تصویر درستی از سطح علمی فنّ طب در روزگار خود ارائه داده است و توجّهی جدّی به لزوم هماهنگی میان طبّ نظری و طبّ عملی داشته است، اعجاب و تقدیر تاریخ‌نگاران علم طب را برانگیخته است»(۸).

متن عربی کتاب ابتدا در سال ۱۲۸۳ قمری در لاهور به چاپ رسید و ۱۱ سال بعد دوباره در بولاق قاهره چاپ شد (۸). طبع دیگر این کتاب، چاپ تصویری فؤاد سزگین است. وی اصل نسخه آن را از میان نسخ دستخط موجود در کتابخانه دانشگاه استانبول انتخاب کرد و از سوی مؤسّسه تاریخ علوم عربی و اسلامی وابسته به دانشگاه فرانکفورت آلمان در سال ۱۴۰۵ قمری/ ۱۹۸۵ میلادی به صورت تصویری به چاپ رساند. کتاب، بار دیگر از سوی انجمن مرکزی پژوهش در طبّ یونان در سال ۱۴۲۶ قمری/ ۲۰۰۵ میلادی در دهلی نو به چاپ رسید. آخرین چاپ اثر، طبع «مؤسّسه احیای طبّ طبیعی» قم است که به سفارش مؤسّسه مطالعات تاریخ پزشکی طبّ اسلامی و مکمّل [در ایران] آن را تصحیح کرده و در سال ۱۳۸۷ شمسی به چاپ رسانده است.

نخستین ترجمه این کتاب به زبان فارسی، همین ترجمه جزء اوّل توسط مؤلّف مسؤول این مقاله است که از سوی مؤسّسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران ـ دانشگاه مک گیل کانادا در سه مجلّد به چاپ رسیده است. در خصوص چاپ‌های این کتاب لازم است دو نکته افزوده شود:

۱. چاپ‌های لاهور (۱۲۸۳ق/ ۱۸۶۶م) و بولاق قاهره (۱۲۹۴ق/ ۱۸۷۸م) و دهلی نو (۱۴۲۶ ق/ ۲۰۰۵م) از روی همان نسخه بولاق چاپ شده‌اند و زوائد و افتاده‌ها و اغلاط زیادی دارند. متن چاپ اخیر قم (۱۳۸۷ شمسی) نیز گرچه از روی شش نسخه‌ی مختلف تصحیح شده، امّا اصل آن بیشتر بر مبنای همان نسخه بولاق است؛ از این‌رو این متن نیز همان عیب‌ها را دارد.

۲. در نسخه بولاق و دیگر نسخه‌های مبتنی بر آن، که عبارتند از نسخه‌های لاهور و دهلی و قم، در آخر مقاله سوم جزء اوّل، مبحثی الحاقی با عنوان: «فی الجُملة الثالِثة مِن المقالة السّابِقة...» آمده که پر از غلط و ابهام و افتادگی است و در دیگر نسخه‌ها نیست.

نتیجه‌گیری

پیشینه علمی ایرانی ـ اسلامی ما در زمینه بسیاری از علوم و فنون بویژه ریاضی و طبّ و نجوم، پیشینه پر افتخاری است تا جایی که می‌توان گفت پیشرفت‌های امروزین دنیای غرب در برخی از عرصه‌های علمی مدیون آثار علمی دانشمندان دیروزین ماست و کتب ارزشمندی که از سوی دانشمندان اسلامی ـ ایرانی تألیف شده و قرن‌ها کتاب درسی غربیان بوده، شاهد این مدّعاست.

یکی از این آثار ارجمند کتاب «کامل الصّناعه الطبیّه» در فنّ پزشکی است که به ادّعای مؤلّف همه ابعاد نظری و عملی دانش پزشکی را تا زمان مؤلّف در برگرفته است. هدف این مقاله، معرّفی این کتاب و ترجمه اخیر آن به جامعه پزشکی ایران است. از آنجایی که حجم انبوهی از تجربیّات بالینی و دانش در طبّ سنّتی انباشته شده و شایسته است با روشهای علمی و تحقیقات وسیع استخراج شوند، مطالعه این کتاب و نظایر آن که جایگاه منیعی در بین کتب طب سنتی قدیم دارند، خواهد توانست دقّت نظر اطبّای قدیم و جایگاه طبّ سنّتی، را در حتی در مراکز تحقیقاتی جدید نظیر «گروه تحقیقاتی طبّ سنّتی» در معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران بهتر نشان دهد.

تشکر و قدردانی

شکل گیری و بنای ترجمه کتاب کامل الصناعه و مقاله منتج از آن با اشراف و نظارت استاد گرانقدر دکتر مهدی

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

محقق صورت گرفته و در اینجا مولفان این مقاله سپاس خود
را از این بزرگوار ابراز می دارند.

Reference

1. Zaker M. Methods of historiography in the first six centuries AH. Nameye anjoman. Society for the Appreciation of Cultural works and Dignitaries. 2006; 20:158-159
2. Zaker M. Methods of historiography in the first six centuries AH. Nameye anjoman. Society for the Appreciation of Cultural works and Dignitaries. 2006; 20:161
3. Majusi, Ali-ibne Abbas. kamil as-sina a attibbiyyah. New Delhi. 2005; 1:3
4. Kamil as-sina a attibbiyyah. Research Center for Islamic medicine Publication. Qom. 2009; 1:13
5. Browne, Edward Granville. Islamic medicine: Fitzpatrick lectures delivered at the Royal College of Physicians in 1919 -1920/ New Delhi: Goodword Books, 2002. Cited by Rajabnia M. bongahe nashr and tarjomeh. Tehran. 1999; 69-73
6. Mohaggeg M. Medical Sciences in Islam and Iran. Kamil as-sina a attibbiyyah.translated into persian by s. mohammad khaled ghaffari, with an introduction on Medical Sciences in Islam and Iran, by mohaghegh. Tehran university press. 2001; 1:twenty five
7. Tajbakhsh H. History of veterinary medicine and medicine of Iran. Tehran university press. 2001; 2:193
8. Segzin F. introduction of Kamil as-sina a attibbiyyah. Frankfort. 1985

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]